

راجع بمراث زوج که قاتل زوجه خود باشد

مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی قتل عمد از موانع ارث میباشد و قاتل اعم از اینکه عمل را بالمباشره و یا بالتسبیب و منفرداً یا بشرکت دیگری انجام دهد از ترکه مورث مقتول نصیبی نخواهد داشت مگر در سه مورد استثنائی که در ماده ۸۸۱ همین قانون ذکر است و عبارتند از قتل غیر عمد و قتل بحکم قانون و قتل در اثر دفاع.

موضوع بحث فعلی این مقاله امکان و عدم امکان توارث است در این فرع که اگر شوهری زوجه خود را در فراش اجنبی مشاهده کند و مرتکب بقتل وی گردد آیا مشمول ماده ۸۸۰ و ممنوع از میراث زوجه خود بوده یا مشمول موارد استثنائی میباشد و از ارث استفاده خواهد نمود.

چون قانون مدنی در این مورد حکم صریح ندارد و در صورت تصادف با چنین دعوائی ممکن بود نظریه های مختلفی اتخاذ شود لذا بنظر رسید که در صورت توفیق و در حد ممکن عقاید و فتاوی فقهای اسلام و قوانین کیفری و مدنی را بررسی و تحقیق و ضمن این مقاله نتیجه را مورد بحث قرار دهد شاهد بهنگام تصادف با چنین فرعی که حقاً خالی از اهمیت قضائی نیست راهنما و مورد استفاده و عمل قرار گیرد.

قتل زن در حال زنا در صورتیکه مشمول یکی از عناوین استثنائی ماده ۸۸۱ قانون مدنی تشخیص شود موجب محرومیت شوهر از میراث زن نخواهد بود و در غیر اینصورت شوهر از ارث محروم و ماترک مقتوله بدون توجه بوجود شوهر بین سایر وراث قابل تقسیم است و از لحاظ مشمول یا عدم مشمول قضیه بموارد استثنائی مرقوم با توجه بمواد ۱۷۹ و ۱۸۴ قانون مجازات عمومی که در اینجا نقل میشود:

۱ - ماده ۱۸۴ « قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقابل دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمیشود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید میکرده است .

۲ - ماده ۱۷۹ « هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالتی که بمنزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است .
ممکن است چنین استدلال نمود که چون :

الف - قتل به حکم قانون و قتل غیر عمد در مورد بحث مصداقی ندارد.
ب - با توجه به حدود و شرائطی که در ماده ۱۸۴ قانون کیفر عمومی بان تعرض

راجع به ایرات زوج

شده قتل برای دفاع وقتی صادق است که تجاوز بعرض شخص قاتل شده باشد نه دیگری که در این مورد عیال قاتل بوده و در تمام موارد هم فرض تجاوز اجنبی بعرض مشارالیها نمیتوان کرد بلکه امکان دارد زن با رضا و میل خود بفراش مرد اجنبی رفته و بپلو تسلیم شده باشد.

ج - هر گاه تعرض مصداق پیدا کند باید زانی را تعرض کننده فرض کرد نه زن مقتوله را.

د - مقنن با وضع ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی عمل ارتكابی شوهر را قابل تعقیب کیفری شناخته و او را معاف از تعقیب قانونی ننموده است تا گفته شود عمل مزبور واجد عنوان دفاع میباشد بلکه با توجه بلزوم حفظ انتظام جامعه و یا وجود حالت غیر طبیعی هنگام قتل زوجه علل مخففه را تا سرحد معافیت از مجازات قاتل رعایت و حتی دادگاه را الزام بصدور رأی دایر بمعافیت قاتل از مجازات نموده است.

ه - از فتاوی علماء اسلام معلوم میشود که قتل مورث جز در موارد قتل به حق و قتل خطاء به قاعده « لاهیراث للمقاتل » که از فرمایشات حضرت رسول اکرم (ص) است مانع از ارث است که در مورد بحث فرض غیر عمد یا خطاء نمیرود و قتل به حق هم باید مسبوق بحکم شرعی بوده باشد از قبیل اجرای حد یا قصاص و چون قتل زن در حال زنا مسلماً مسبوق بحکم حاکم شرع نیست از اقسام قتل بحق شناخته نمیشود زیرا در این فرض در شرع برای زانیه مجازات و حدودی مقرر است که طبق تشریفات خاصه رسیدگی میشود و با توجه بادلله و بینه منطبق با موازین شرعی اثبات و سپس حکم شرعی صادر و اجرا خواهد شد لذا قتلی را که مسبوق به چنین حکمی نبوده و در حقیقت شوهر در حال مشاهده وضع مذکور شخصاً بجای شاکی و حاکم و مجری حکم شرعی قرار گرفته نمیتوان قتل بحق دانست و او را وارث زن محسوب نمود.

بنابراین موارد استثنائی مندرج در ماده ۸۸۱ قانون مدنی شامل قضیه نمیشود و عمل شوهر مانع از تعلق ارث است.

بطوریکه در مقدمه گفته شد مسئله ارث شوهر در مانحن فیه مطلبی نیست که ضمن مواد قانونی و فتاوی علماء اسلامی نسبت بیان حکم صریحی ذکر شده باشد و از نظر حقوقی قابلیت آنرا دارد که با دقت کامل سپرد توجه قرار گیرد تا مبادا حقی از شوهر که هرگز تصور چنین واقعه ای را نمی نموده و بعلمت علاقه بناموس و عرض بر تکب قتل عیال خود گردیده تضییع شود لهذا برای صیانت اصل مسلم تسلیم حق بمن له الحق و احتراز از صدور احکام ناصواب قبلاً باید اهمیت موضوع را در نظر گرفت و توجه نمود که قواعد و احکام شرع انور اسلام پایه تدوین قوانین مدنی و کیفری است (اصل دوم متمم قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات عمومی) و عقیده علمای اسلامی در وضع قانون مدنی مخصوصاً جلد اول آن کتاب و ابواب ارث مراعات شده و حتی مقررات موجوده راجعه ب ارث اقتباس از فتاوی فقهای امامیه میباشد و برای حل این مشکل و حکم آن قوانین مدنی و کیفری و فتاوی علماء بزرگ و معروف اسلامی از کتب جواهر و شرح لمعه و شرایع و مختلف

راجع بصیرات زوج

و غیره. باید معیار سنجش و نظر اتخاذ عقیده قرار گیرند اکنون برای اثبات ضعف استدالات فوق که نتیجه اش علم توارث شوهر است، ضمن تعریف اجمالی موارد استثنائی مندرج در ماده ۸۸۱ قانون مدنی مطالب ذیل تشریح میشود :

تعریف اجمالی

۱ - قتل غیر عمد که قصد و نیت مرتکب در وقوع آن مداخلیت ندارد ولی بنا بر تعریفی که از قتل خطائی (غیر عمد) در صفحه ۱۰۰۸ از کتاب فصل الخطاب شده گذشته از عدم وجود قصد در مرتکب آلت مستعمله نیز باید از چیز هائی باشد که مثل آن موجب قتل نمیشوند « **الخطاء ان يتعمده ولا يريد قتله بما لا يقتل مثله و الخطاء الذي لاشك فيه ان يتعمد شيئاً آخر فيصيبه** » .

۲ - قتل بحکم قانون و آن موردیست که شخص در اثر حکومت و حکم قطعی لازم الاجراء محکوم باعدام گردیده و مجری این حکم یکی از وراث محکوم علیه بوده باشد.
۳ - قتل برای دفاع که در ماده ۱۸۴ قانون کیفر عمومی با شرایطی بیان شده است و از فتوای علماء در کتب فقهیه نیز معلوم میشود دفاع از نفس و عرض و مال بنحویکه در ماده مزبوره قید است. شرعاً جایز بوده و هست و هر گاه به سبب تعرض و تجاوز به عرض قتلی واقع شود قاتل قصاص و مجازات ندارد.

در این باره صاحب جواهر در صفحه ۳۷ جلد چهارم در کتاب « **الحدود و التعزیرات** » در احکام دفاع بطور وضوح بیاناتی فرموده و اخباری را از ائمه اطهار نقل کرده است که دائر به وجوب دفاع از مال و نفس و عرض شخص مدافع و یا عرض دیگری میباشد که در موقع خود بآنها اشاره و استناد خواهد شد.

بعلاوه فتاوی سایر علماء از متقدمین و متأخرین من جمله مرحوم آیت الله اصفهانی در رساله « **صراط النجات** » دائر بلزوم دفاع از عرض و مشروعیت آن است و بالاجماع شخص متعرض را مهدور الدم شناخته اند.

اینک مستندات و ادله قانونی و شرعی توارث شوهر

همانطور که اشاره شد استدلال کسانی که بعدم توارث شوهر معتقد هستند ضعیف و مردود است و بنا بمطالب و جهاتیکه ذیلاً ذکر میشود در فرضیه مذکوره شوهر با وجود ارتکاب قتل حق میراث خود را از کلیه متروکات مقتوله از دست نخواهد داد.

اولاً - مطلق دفاع از عرض اعم از اینکه مورد تجاوز شخص مدافع باشد یا غیر او بموجب قانون و بر حسب فتوای علماء تجویز گردیده و بعلاوه در فرض تحقق رضای قبلی زن به تسلیم ناموس خود یا جنبی حق دفاع شوهر ساقط نمیشود بلکه احراز رضای زن برود در فراش اجنبی موجب عصلنیت بیشتر و اصرار بر فشار شوهر بدفاع و اعمال این حق میگردد و او را اجبار بایجاد وضع و حالتی مینماید که از دفاع شروع و بضرع یا جرح یا قتل منتهی میشود . و بنا بر این تصور اینکه ماده ۱۸۴ قانون مجازات عمومی انحصار تجاوز به عرض خود قاتل را دارد نه غیر او و رضای زن نیز مانع از دفاع شوهر میباشد صحیح نیست .

راجع بعیراث زوج

ثانیاً - توجه دادن تجاوز به زانی و ادعاه اینکه زانیه نسبت بشوهر خود تعرض نموده تا مستوجب قتل شناخته شود اثر و ارزش ندارد زیرا زن ناموس و عرض شوهر خود محسوب است و بنوبه خود مکلف بدفاع و مبارزه با مرد اجنبی نیز میباشد و خودداری او از تسلیم شدن بخواسته مرد اجنبی غیر ممکن نیست با وجود این متأسفانه در مقام رفع تعرض و تجاوز بر نیامده و دخول بفراش اجنبی را قبول نموده و لذا همین امر سبب قتل او بدست شوهر در حین ارتکاب عمل زنا گردیده است.

بعلاوه نظر به قبح عمل و سوء اثر شدید آن در اجتماع بشوهر اختیار داده شده است در صورتیکه زن خود را در فراش اجنبی مشاهده کند یک یا هر دو آنها را بقتل برساند تا نظائر آن اتفاق نیفتد.

این اختیار بر اساس روایات و اخباری است که از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار نقل گردیده و فقها نیز در کتب فقهی خود بآنها تمسک نموده اند. و اینکه چند خبر و روایت مرتبط با موضوع در اینجا ذکر میشود:

از شرایع کتاب القصاص صفحه ۳۶۹

ان علیا صلوات الله وسلامه علیه . قال لرجل قتل رجلا و ادعی انه وجده مع امراته علیک القود الا ان تانی بینه .

از کتاب جواهر صفحه ۵۳۸ جلد چهارم

لوجود مع زوجته او مملو کته او غلامه او اولده او بنته او احد من ارحامه من بنال من الفاحشه دون الجماع فله دفعه بلا خلاف ولا اشکال.

مستخرجه از شرایع کتاب القصاص صفحه ۳۶۰

لوجود مع زوجته او مملو کته او غلامه من بنال دون الجماع فله دفعه فان اتی الدفع علیه فهو هدر .

از آنچه که نقل شد چنین استفاده میشود که تعرض بناموس زن ایجاد حق دفاع از برای شوهر او مینماید و چنانچه زانیه هم در این واقعه کشته شود بر عمل شوهر ایراد و اشکالی وارد نیست.

ثالثاً - توهم اینکه ماده ۱۷۹ قانون کیفر عمومی عمل شوهر را قابل تعقیب شناخته ولی با توجه بحالت غیر طبیعی او را از مجازات معاف نموده و با این وصف اطلاق عنوان دفاع جایز نیست صحیح نمیشود زیرا در مورد بحث تعقیب قضیه صرفاً برای احراز سبب و جهات نیست که موجب وقوع قتل شده اند نه اعمال مجازات نظیر موردی که طفل غیر ممیز مرتکب جرمی گردد و برای تشخیص غیر ممیز بودن او پرونده تشکیل و رسیدگی بعمل آید ولی بلافاصله پس از ملاحظه شناسنامه طفل او را با اخذ التزام به تأدیب و تربیت تسلیم بولی خود بنمایند (ماده ۲۴ قانون کیفر عمومی).

در این صورت شک نیست که رسیدگی مقدماتی و تشخیص غیر ممیز بودن طفل با اصل قضیه ارتباطی ندارد و پابین مقدار از رسیدگی اطلاق مجرم نمیشود.

واجع بمیراث زوج

همینطور است وضع قاتلی که زن خود را در حال زنا مشاهده نموده و مشارالیهارا به قتل رسانیده. که فقط تا موقع احراز این مطلب مورد تعقیب قرار نمیگیرد بدیهی است پس از آنکه وجود زن او در فراش اجنبی و یا دو حالتی که بمنزله وجود در یک فراش است بدیوت رسیده به حکم آنکه. دوساده ۱۷۹ از قانون کیفر برای شوهر مجازاتی تعیین نگردیده تعقیب موقوف و پرونده امر را کد میشود.

بنابراین نمیتوان قبول نمود که تعقیب قضیه باین مقدار دارای اثر زوال عنوان دفاع از شوهر بوده باشد و یا آنکه تنها عصبانیت و تحریک حس حسادت شوهر موجب معافیت او از تحمل مجازات گردد بلکه بخلاف تصور معتقدین بعدم توارث شوهر و توجه بماده ۲ قانون مجازات عمومی و فتاوی علماء عظام باید تصدیق نمود که چون در ماده ۱۷۹ برای چنین قتلی هیچ گونه مجازات پیش بینی نگردیده اساساً عمل مزبور جرم نیست. نظر باینکه به فتاوی مجتهدین و فقها اشاره گردید به مورد است که پاره از عقائد ایشان در خصوص مورد درج شود تا محقق گردد که قتل زن در حال زنا جرم و گناه شناخته نشده است.

از شرایع کتاب الحدود و التعزیرات صفحه ۴۴۸

« السابعة - اذا وجد مع زوجته رجلا بزنی بهما فله قتلها ولائم »
از جلد چهارم جواهر صفحه ۴۸۷

روایت خبر الفتح بن یزید الجرجانی قال لابی الحسن؛ رجل دخل دار غیره لیتلصص او للفقور فقتله صاحب الدار فقال « من دخل دار غیره هدر دمه ولا یجب علیه شیئی » .

از مختلف صفحه ۲۳۸

قال الشيخ فی النهایه « ومن قتل رجلاً ثم ادعی انه وجده مع امراته او فی داره قتل به او بقیمة البینه علی ما قال » و قال ابن ادریس « الا ولی آن یقید ذالک بانه ان الموجود کان بزنی بالمرأة و کان محصناً فحینئذ لا یجب علی قاتله الفود و لا الدیة کانه مباح الدم » .

وابعاً - استدلال باینکه قتل مانع ارث شناخته شده مگر قتل بحق که مورد بحث از صور مختلفه آن خارج وزانیه طبق قوانین شرع از طرف حاکم مستوجب حدود و مجازات میباشد که چون حکم شرعی مسبوق بر عمل شوهر صادر نشده بوده حق ارتکاب بقتل را نداشته و بالتسبیح محروم از ارث عیان خود میباشد مخدوش است زیرا.

۱ - فرق است بین موردیکه شوهر شخصاً تاظر عمل زنا بوده یا موردیکه بعد از انجام عمل از این موضوع اطلاع حاصل نماید. بدیهی است دفاع از عرض که دوساده ۱۸۴ از قانون مجازات عمومی ذکر شده و موضوع بحث در این مقاله است شامل مورد اول میباشد و آنچه بنظر مخالفین یا توارث رسیده مشمول مورد ثانی است که باید یا طرح شکایت و اقامه بینه بشوت برسد.

راجع بهیراث زوج

۲- طبق روایات و فتاوی علماء ثابت است که قتل زن در حال زنا از شقوق بارز قتل بحق است و مانع از ارث نخواهد بود و از جمله اخباری که مفید احراز این مطلب است روایت زیر میباشد که منتسب بحضرت خاتم الانبیاء (ص) است که بطور وضوح قتل زانیه را بلمت شوهر در صورت مشاهده زنا تجویز فرموده لذا دیگر مجالی برای بحث در اینکه چنین قتل از اقسام قتل بحق میباشد یا خیر نمانده است.

از جلد چهارم جواهر صفحه ۴۸۷

روایت داود بن فرقد قد سمع الصادق (ع) بقول ان اصحاب النبی (قالو السعدین عبادة لو وجدت علی بطن امرأتک رجلاً ما کنت صانعا. قال کنت اضربه بالسيف. فخرج رسول الله (ص) فقال ماذا باسعد. قال سعد قالو الو وجدت علی بطن امرأتک رجلاً ما کنت تصنع به قلت اضربه بالسيف «فقال باسعد و کیف بالاربعة الشهود فقال یارسول الله (ص) بعد رأی عینی و علم الله ان قد فعل. قال ای والله بعد رأی عینک و علم الله ان قد فعل لان الله عز وجل قد جعل لكل شیئی حداً و جعل لمن تعدی دالک الحد حداً» (این خبر در صفحه ۹۷۴ کتاب فصل الخطاب و صفحه ۱۶۴ از جلد چهارم سراه العقول نیز دیده میشود).

۳- رعایت قاعده ممنوعیت قاتل از ارث که مبنای آن فرمایش رسول اکرم (ص) (لا میراث للقاتل) میباشد وقتی مورد عمل پیدا میکند که منظور قاتل استفاده از دارائی مقتول بوده و برای نیل باین مقصود مرتکب قتل گردد.

فقهائ امامیه یک چنین قاتل را گذشته از آنکه مستوجب قصاص (قتل) میدانند برای آنکه هرگز به مقصودیکه داشته است نرسد او را از ارث مقتول خواه زوجه قاتل یا ذی رحم دیگری بوده باشد ممنوع و محروم نموده اند. پس محقق است چنانچه قتل بغیر منظور مرقوم واقع شده باشد تابع قاعده لا میراث للقاتل نخواهد بود دلیل این بیان مطالبی است که در کتب فقهی ذکر شده و در اینجا نقل میگردد.

کتاب الفرائض و احکامه صفحه ۱۹۰ (مختلف)

« و انما منع قاتل العمد من المیراث عقوبة له علی جرمه و عظم ذنبه » .

جلد چهارم کتاب جواهر صفحه ۲۵۵

فیمنع القاتل من الارث اذا کان عمدا ظلماً بلاخلاف اجده فیه بل الاجماع بقسمیه علیه و هما الحججة بعد الصحاح المطابقة للحکمة الطاهرة و هو عصمة الدماء من معالجة الورثه و عقوبه القاتل بحرمانه من الارث و مقابله بنقیض مطلوبه من القتل (نعم لو کان بحق لم یمنع بلاخلاف).

شرايع - کتاب الفرائض صفحه ۲۹۶

و اما القتل فیمنع القاتل من الارث اذا کان عمدا ظلماً ولو کان بحق لم یمنع .

راجع بمراتب زوج

مطابق عقیده صاحب جواهر (و المفروض وجوب حفظ العرض كالنفس) و بیان مرحوم آیت الله اصفهانی در کتاب صراط النجات دفاع از عرض بصورت قتل زانی یا زانیه در حال زنا از موارد قتل بحق است و همانطور که بیان گردید در صورت مشاهده وضع مزبور و تحقق فراش شوهر میتواند مرتکب قتل زن خود بشود و در این صورت از ارتکاب مقتوله هم محروم نخواهد بود لذا نظر مخالفین با توارث شوهر بادعاء اینکه قتل زن در حال زنا از صور مختلفه قتل بحق محسوب نیست صحیح نمی باشد.

بنا بمراتب عقیده دارم بهمان نحو که از فرمایشات و عقاید فقهاء و علماء عظام اسلام نورالله سراقدهم بخوبی درک میشود و از ماده ۱۷۹ قانون کیفر عمومی که قاتل زوجه در فراش اجنبی را غیر مجرم و معاف از مجازات دانسته نیز استنباط میگردد شوهری که زوجه خود را در فراش اجنبی مشاهده میکند و او را بقتل میرساند چون قتل بغير ظلم است از ارتکاب زوجه مستفید و محروم از آن نخواهد بود.

